اربعین نَوَوی

(چهل حدیث)

تألیف:

امام أبوزکریا یحیی بن شرف نووی دمشقی شافعی رحمه الله

ترجمه:

اسحاق دبیری رحمه الله

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

مقدمه مترجم ۳

حدیث ۱ .... ۴

حدیث ۲ .... ۴

حدیث ۳ .... ۶

حدیث ۴ .... ۷

حدیث ۵ .... ۸

حدیث ۶ .... ۸

حدیث ۷ .... ۹

حدیث ۸ .... ۹

حدیث ۹ .... ۱۰

حدیث ۱۰ .... ۱۰

حدیث ۱۱ .... ۱۱

حدیث ۱۲ .... ۱۱

حدیث ۱۳ .... ۱۲

حدیث ۱۴ .... ۱۲

حدیث ۱۵ .... ۱۲

حدیث ۱۶ .... ۱۳

حدیث ۱۷ .... ۱۳

حدیث ۱۸ .... ۱۳

حدیث ۱۹ .... ۱۴

حديث ٢٠ .... ١٥
حديث ٢١ .... ١٥
حديث ٢٢ .... ١۶
حديث ٢٣ .... ١۶
حديث ٢۴ .... ١٧
حديث ٢۵ .... ١٨
حديث ٢۶ .... ١٩
حديث ٢٧ .... ٢٠
حديث ٢٨ .... ٢١
حديث ٢٩ .... ٢١
حديث ٣٠ .... ٢٣
حديث ٣١ .... ٢٣
حديث ٣٢ .... ٢۴
حديث ٣٣ .... ٢۴
حديث ٣۴ .... ٢۵
حديث ٣۵ .... ٢۵
حديث ٣۶ .... ٢۶
حديث ٣٧ .... ٢٧
حديث ٣٨ .... ٢٨
حديث ٣٩ .... ٢٩
حديث ۴٠ .... ٢٩
حديث ۴١ .... ٢٩
حديث ۴٢ .... ٣٠

مقدمه مترجم

الحمدلله رب العالـمين قيوم السموات والأرضين، مدبر الخلائق أجمعين وصلوات الله وسلامه على نبينا محمد وسائر الأنبياء والـمرسلين وآل كل وسائر الصحابة أجمعين ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين أما بعد:

کتاب حاضر شامل چهل و دو حدیث می‌باشد. هر حدیثی از این احادیث، قاعده بزرگی از قواعد اسلام به شمار می‌رود و علما گفته‌اند که مدار کلی اسلام، یا نصف، یا یک سوم اسلام بر این احادیث استوار است، ناگفته نماند که امام نووی‌رحمه الله بر خود لازم دانست که بیشتر احادیث این کتاب را از معتبرترین و صحیح‌ترین آنها برگزیند. همچنین یادآور شویم که اسناد احادیث، حذف شده تا حفظ کردنِ آنها آسان شود و فایده آن به همگان برسد. بنابراین هرکس پیروزی و کامیابی آخرت را می‌خواهد بایستی احادیثی که در برگیرنده امور مهم دین و طاعات است را بداند و به آن عمل کند. امید است خداوند ترجمه این کتاب را فقط برای رضا و خشنودی خود بداند و نیز پسند خاطر خوانندگان محترم واقع شود تا ما را از دعای خیر بی‌بهره نسازند.

وصلى الله على محمد وآله وصحبه.

اسحاق بن عبدالله دبیری

حدیث ۱

از امیرالمؤمنین ابی‌حفص عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم که پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم می‌فرمود: «إِنَّمَا الأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنمَّاَ لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى، فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللهِ وَرَسُولِهِ فَهِجْرَتُهُ إِلَى اللهِ وَرَسُولِهِ، وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ لِدُنْياَ يُصِيْبُهَا أَوِ امْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا فَهِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْه»[1].

«همانا اعمال و کردار به نیت بستگی دارد، و هرکسی به اندازه نیتش از کردارش اجر و ثواب می‌برد. پس کسی که هجرت و انتقال او به مدینه به سوی خدا و پیامبر بوده باشد، این هجرت به‌سوی خدا و پیامبر اوست، و هرکس هجرتش به خاطر مال دنیا و یا به خاطر زنی باشد که بخواهد با او ازدواج کند، اهمیت هجرت او برابر با همین قصد و همت اوست».

حدیث ۲

همچنین از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است که گفت: «بَيْنَمَا نَحْنُ جُلُوسٌ عِنْدَ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه وسلم ذَاتَ يَوْمٍ، إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ شَدِيدُ بَيَاضِ الثِّيَابِ، شَدِيدُ سَوَادِ الشَّعْرِ، لا يُرَى عَلَيْهِ أَثَرُ السَّفَرِ، وَلا يَعْرِفُهُ مِنَّا أَحَدٌ، حَتَّى جَلَسَ إِلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه وسلم، فَأَسْنَدَ رُكْبَتَيْهِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ، وَوَضَعَ كَفَّيْهِ عَلَى فَخِذَيْهِ، وَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، أَخْبِرْنِي عَنْ الإِسْلاَمِ. فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه وسلم: الإِسْلاَمُ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لاَ إِلهَ إِلاَ اللهُ وَأَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللهِ، وَتُقِيمَ الصَّلاَةَ، وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ، وَتَصُومَ رَمَضَانَ، وَتَحُجَّ الْبَيتَ إِن اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلاً. قَالَ: صَدَقْتَ، فَعَجِبْنَا لَهُ يَسْأَلُهُ وَيُصَدِّقُهُ. قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الإِيْمَانِ، قَالَ: أَنْ تُؤْمِنَ بِاللهِ، وَمَلاَئِكَتِهِ، وَكُتُبِهِ،

۱- رَوَاهُ إِمَامَا الْـمُحَدِّثِينَ أَبو عَبْدِ الله مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيْلَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْـمُغِيرَةِ بْنِ بَرْدِزْبَهْ الْبُخَارِيُّ وَأَبُو الْحُسَيْنِ مُسْلِمُ بْنُ الْحَجَّاجِ بْنِ مُسْلِمٍ الْقُشَيْرِيُّ النَّيْسابُورِيُّ فِي صَحِيْحَيْهِمَا اللَّذَيْنِ هُمَا أَصَحُّ الْكُتُبِ الْـمُصَنَّفَةِ.

وَرُسُلِهِ، وَالْيَوْمِ الآخِرِ، وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ. قَالَ: صَدَقْتَ، قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الإِحْسَانِ. قَالَ: أَنْ تَعْبُدَ اللهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ. قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ السَّاعَةِ، قَالَ: مَا الْمَسْؤُولُ عَنْهَا بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ. قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنْ أَمَارَاتِهَا، قَالَ: أَنْ تَلِدَ الأَمَةُ رَبَّتَهَا، وَأَنْ تَرَى الْحُفَاةَ الْعُرَاةَ الْعَالَةَ رِعَاءَ الشَّاءِ يَتَطَاوَلُونَ فِي الْبُنْيَانِ. ثُمَّ انْطَلَقَ فَلَبِثْتُ مَلِيًّا ثُمَّ قَالَ: يَا عُمَرُ أَتَدْرِي مَنِ السَّائِلُ؟ قُلْتُ: اللهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: فَإِنَّهُ جِبْرِيْلُ أَتَاكُمْ يُعَلِّمُكُمْ دِيْنَكُمْ»[۱].

«روزی ما نزد پیامبر اکرمﷺ نشسته بودیم، مردی بر ما وارد شد که جامه او کاملاً سفید بود، و موهای سرش بسیار سیاه، کسی از ما او را نمی‌شناخت، و هیچ اثر سفر بر او نبود که بگوییم از جایی دور آمده است، تا این که نزد پیامبرﷺ نشست و دو زانوی خود را به دو زانوی پیامبرﷺ چسپاند، و دو دستش را بر دو ران آن حضرتﷺ نهاد و گفت: ای محمدﷺ مرا از اسلام خبر ده. پیامبرﷺ در پاسخ فرمود: اسلام عبارت است از این که گواهی دهی و یقین داشته باشی، معبودی بحق جز خدای یکتا نیست، و اینکه محمدﷺ فرستاده خداست، و نماز را بر پا بداری، و زکات بدهی، و روزه [ماه مبارک] رمضان بگیری، و حج خانه خـدا کنی، اگر توانایی بدنی و مالی و توشه راه و وسیله‌ای برای سفر داشته باشی. آن مرد گفت: راست گفتی. ما به شگفت آمدیم که از رسول اکرمﷺ سؤال می‌کند [در حالی که سئوال، علامت ندانستن است] و تصدیق می‌نماید [در حالی که تصدیق نشانه دانستن است].

سپس گفت: پس مرا از ایمان خبر ده، حضرت فرمود: ایمان عبارت است از این که به یگانگی خدا ایمان بیاوری [در ذات و صفات و افعالش که هیچ شریکی ندارد]، و به فرشتگان خدا ایمان بیاوری [که پیام‌رسانان بین خدا و پیامبران هستند]، و به پیامـبران خـدا ایمان بیاوری [که برای راهنمایی بشـر فرستاده شده‌اند]، و به روز قیامت ایمان بیاوری [و آنچه شامل آن می‌شود، از جزای اعمال و حساب و بهشت و دوزخ]، و به سرنوشت [یعنی تقدیر] ایمان بیاوری، و به خیر و شر آن

۱- رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

ایمان بیاوری. آن مرد گفت: راست گفتی.

گفت: مرا از احسان و نیکوکاری خبر ده. فرمود: نیکوکاری عبارت است از اینکه چنان خدا را بندگی کنی گویا او را می‌بینی، و اگر تو او را نمی‌بینی، یقین بدار که او تو را می‌بیند.

گفت: مرا از روز قیامت خبر ده. فرمود: [در این مسئله] پرسیده شده داناتر از پرسنده نیست. آن مرد گفت: پس مرا از نشانه‌های قیامت باخبر ساز. فرمود: آنکه کنیز آقایش را بزاید [یعنی مادران را خوار و حقیر شمارنـد و خود را آقای مادر بدانند]، و آنکه پا و تن برهنگان بینوا و چوپانِ گوسفندان را ببینی که به برافراشتن کاخ [و زیاده روی در ساختمان] بپردازند. پس آن مرد رفت، و من چندی نشستم، و آن حضرتﷺ فرمود: ای عمر، می‌دانی که سئوال کننده چه کسی بود؟ گفتم: خدا و رسول خدا بهتر دانند. فرمود: او جبرئیل؈ بود، که آمده بود [تا با پرسش و پاسخ کردنش] دینتان را به شما بیاموزاند».

حدیث ۳

از ابی عبدالرحمن عبدالله بن عمر بن خطابؓ روایت است که گفت: شنیدم رسول اکرمﷺ می‌فرمود: «بُنِيَ الإِسْلاَمُ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لاَ إِلٰهَ إِلاَّ اللهُ وَأَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللهِ، وَإِقَامِ الصَّلاَةِ، وَإِيْتَاءِ الزَّكَاةِ، وَحَجِّ الْبَيْتِ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ»[۱].

«اسلام بر پنج قاعده بنا شده است: گواهی دادن به آنکه معبودی بحق جز خدای یکتا نیست، گواهی به آنکه حضرت محمدﷺ پیامبر خـداست، بر پا داشتن نماز، دادن زکات، حج خانه خدا، و روزه گرفتن در [ماه مبارک] رمضان».

۱- رَوَاهُ البُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.

حدیث ۴

از ابی عبدالرحمن عبدالله بن مسعودﷺ روایت است که گفت: پیامبر راستگو و راستگو دانسته شده به ما خبر داد که: «إِنَّ أَحَدَكُمْ يُجْمَعُ خَلْقُهُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِيْنَ يَوْماً نُطْفَةً، ثُمَّ يَكُونُ عَلَقَةً مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يَكُونُ مُضْغَةً مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يُرْسَلُ إِلَيْهِ الْمَلَكُ فَيَنْفُخُ فِيْهِ الرُّوحَ وَيُؤْمَرُ بِأَرْبَعِ كَلِمَاتٍ: بِكَتْبِ رِزْقِهِ، وَأَجَلِهِ، وَعَمَلِهِ، وَشَقِيٌّ أَوْسَعِيْدٌ. فَوَاللهِ الَّذِي لاَ إِلهَ غَيْرُهُ إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، حَتَّى مَا يَكُونَ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا إِلاَّ ذِرَاعٌ، فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ الْكِتَابُ فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ فَيَدْخُلُهَا، وَإِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ، حَتَّى مَا يَكُونَ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا إِلاَّ ذِرَاعٌ، فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ الْكِتَابُ فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَيَدْخُلُهَا»(۱).

«در حقیقت، خلقت یکی از شما در شکم مادرش چنین انجام می‌گیرد: چهل روز به حالت نطفه است، پس از آن، به قدر همان زمان و مدت [یعنی چهل روز طول می‌کشد که] به پاره خونی تبدیل می‌شود، سپس به اندازه همان مدت و زمان به پاره گوشتی تبدیل می‌شود، سپس خدای تعالی به سوی او فرشته می‌فرستد تا روح در آن بدمد و فرشته به نوشتن چهار کلمه مأمور است: روزیَش، مدت عمرش، کردار و رفتارش، و اینکه بدبخت یا نیکبخت است. پس سوگند به خدای که هیچ معبود بحقی غیر او نیست، همانا یکی از شما بـه کردار و رفتار اهل بهشت می‌پردازد تا آنکه میـان او و رسیـدن بـه بهشت، فاصله‌ای نمی‌ماند مگر یک ذرع [حدود یک متر]. در آن هنگام، سرنوشت و فرجام کردارش بر او پیشی می‌گیرد و بـه عمـل مـردم دوزخی می‌پردازد و پایان بد، سبب رفتنش به دوزخ می‌گردد، و همانا یکی از شما به کردار و رفتار اهل دوزخ می‌پردازد تا آنکه میان او و رسیدن به دوزخ، فاصله‌ای نمی‌ماند مگر یک ذرع. در آن هنگام، سرنوشت بر او پیشی می‌گیرد و به کردار بهشتیان و فرجام نیک می‌پردازد و سبب رفتنش به بهشت می‌شود».

۱- رَوَاهُ البُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.

حدیث ۵

از ام المؤمنین – ام عبدالله– عایشه رضی الله عنها روایت است که گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: «مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ»[1]. و در روایت دیگر: «مَنْ عَمِلَ عَمَلاً لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ».

در روایت بخاری: «کسی که در دین ما چیزی تازه و نو آورد، آن بدعت مردود است».
در روایت مسلم: «هر کس کاری کند که برابر دستور ما نباشد، آن کار مردود است».

حدیث ۶

از ابو عبدالله نعمان بن بشیر رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرمود:

«إِنَّ الْحَلاَلَ بَيِّنٌ، وَإِنَّ الْحَرَامَ بَيِّنٌ، وَبَيْنَهُمَا أُمُورٌ مُشْتَبِهَاتٌ لاَيَعْلَمُهُنَّ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ، فَمَنْ اتَّقَى الشُّبُهَاتِ فَقَد اسْتَبْرَأَ لِدِيْنِهِ وَعِرْضِهِ، وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ، كَالرَّاعِي يَرْعَى حَوْلَ الْحِمَى يُوشِكُ أَنْ يَرْتَعَ فِيهِ، أَلاَ وَإِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى، أَلاَ وَإِنَّ حِمَى اللهِ مَحَارِمُهُ، أَلاَ وَإِنَّ فِي الْجَسَدِ مُضْغَةً، إِذَا صَلُحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، أَلاَ وَهِيَ الْقَلْبُ»[2].

«محققاً حلال روشن و آشکار است، و محققاً حرام روشن و واضح است، و درمیان حلال و حرام کارهایی است که به گونه‌ای شباهت به حلال یا حرام دارد و این کارهای همانند را بسیاری از مردم نمی‌دانند، پس کسی که خود را از همانندها نگه داشت، به حقیقت از شک و شبهه دور گشته و دین و ناموس خود را حفظ کرده است، و کسی که در شک‌ها و گمان‌ها افتاد و از آنها پرهیز نکرد، در حرام می‌افتد؛ مانند چوپانی که شتران خود را در اطراف مکان حفاظت شده برای چَرا آزاد

۱– رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.

۲– رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.

می‌گذارد و در این حال، به چرا کردن در آن حریم نزدیک می‌شود. هان! بدانید که هر شاهی، حریمی دارد که مخصوص خودِ اوست. آگاه باشید که به یقین منطقه‌ای که خدا منع فرموده، از محرمات است. آگاه باشید که در بدن آدمی پاره گوشتی است که هر زمان به صلاح آمد و شایسته شد، تمام بدن شایسته می‌گردد، و هر زمان آن پاره گوشت، فاسد شد همه بدن به تباهی می‌رود. بدانید که آن پاره گوشت، قلب و دل آدمی است».

حدیث ۷

از ابی‌رقیه تمیم بن اوس الداری رضي الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود:

«الدِّينُ النَّصِيْحَةُ قُلْنَا: لِمَنْ؟ قَالَ: لِلّه، وَلِكِتَابِهِ، وَلِرَسُولِهِ، وَلأَئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ»[۱].

«همهٔ دین، سفارش و نصیحت است. گفتیم برای چه کسانی؟ فرمود: برای خدا و برای قرآن و برای پیغمبرش و پیشوایان و فرمانداران و حکام مسلمین، و برای همه مسلمانان».

حدیث ۸

از عبدالله بن عمر رضي الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرمود: «أُمِرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لاَ إِلهَ إِلاَّ اللهُ وَأَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللهِ، وَيُقِيمُوا الصَّلاَةَ، وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ، فَإِذَا فَعَلُوا ذلِكَ عَصَمُوا مِنِّي دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ، إِلاَّ بِحَقِّ الإِسْلاَمِ، وَحِسَابُهُمْ عَلَى اللهِ تَعَالَى»[۲].

«مأمور شدم با مردم بجنگم تا آن که گواهی دهند که معبودی به حق جز خدای یکتا نیست، و آن که محمد پیغمبر خداست، و نماز را بر پا بدارند، و زکات بدهند، پس اگر

۱- رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۲- رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.

اینها را انجام دادند خون‌ها و اموال خود را از من نگهداشته‌اند، مگر به حق اسلام، و حساب آنها بر خدای تعالی است. حقِ اسلام، یعنی آنچه اسلام، کیفری بر آن ثابت نماید، مانند قصاص، و سنگسار کردن مرد زناکاری که زن داشته باشد و غیر آن».

حدیث ۹

از ابی‌هریره عبدالرحمن بن صخرﷺ روایت است که گفت شنیدم رسول اللهﷺ می‌فرماید: «مَا نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَاجْتَنِبُوهُ، وَمَا أَمَرْتُكُمْ بِهِ فَأْتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ، فَإِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَثْرَةُ مَسَائِلِهِمْ وَاخْتِلاَفُهُمْ عَلَى أَنْبِيَائِهِمْ»[۱].

«از آنچه شما را از آن باز داشتم دوری کنید، و آنچه شما را به آن امر کردم، انجام دهید تا آنجا که توانایی آن را دارید؛ زیرا به حقیقت، مردمی که پیش از شما بودند به هلاکت رسیدند، به خاطر سئوال و پرسش بسیارشان، و اختلاف نمودن و مخالفت با پیامبرانشان».

حدیث ۱۰

از ابی هریرهﷺ روایت است که رسول اکرمﷺ فرمودند: «إِنَّ اللهَ تَعَالَى طَيِّبٌ لاَ يَقْبَلُ إِلاَّ طَيِّباً، وَإِنَّ اللهَ أَمَرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا أَمَرَ بِهِ الْمُرْسَلِينَ، فَقَالَ تَعَالَى: ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلرُّسُلُ كُلُواْ مِنَ ٱلطَّيِّبَـٰتِ وَٱعْمَلُواْ صَـٰلِحًا﴾ [المؤمنون: ۵۱]. وَقَالَ تَعَالَى: ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُلُواْ مِن طَيِّبَـٰتِ مَا رَزَقْنَـٰكُمْ﴾ [البقرة: ۱۷۲]. ثُمَّ ذَكَرَ الرَّجُلَ يُطِيلُ السَّفَرَ، أَشْعَثَ أَغْبَرَ، يَمُدُّ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ: يَا رَبُّ، يَارَبُّ، وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ، وَمَشْرَبُهُ حَرَامٌ، وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ، وغُذِيَ بِالْحَرَامِ، فَأَنَّى يُسْتَجَابُ لَهُ !»[۲].

۱- رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.

۲- رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

«محققاً که خداوند پاک است و جز پاکیزه را نمی‌پذیرد، و به حقیقت که خدای تعالی به مؤمنان امر فرمود آن چه را به پیامبران امر فـرموده که: «ای پیامبران از روزی‌های حلال و پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید»، و خداوند فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از نعمت‌های پاکیزه که به شما روزی داده‌ایم بخورید». سپس پیامبر از کسی یاد کرد که سفر خود را طولانی می‌کند و ژولیده موی و گرد آلود، دو دستش را به‌سوی آسمان بلند کرده، می‌گوید: "ای پروردگار من" در حالی که غذایش حرام، و آبش حرام، و پوشاکش حرام، و پرورش یافته به حرام است؛ با این حال، چگونه خداوند او را اجابت کند و دعایش را بپذیرد؟».

حدیث ۱۱

از ابو محمد حسن بن علی بن ابی‌طالب ریحانه پیامبر [پسر دختر پیامبرﷺ] روایت است که گفت: «دَعْ مَا يَرِيْبُكَ إِلَى مَا لاَ يَرِيبُكَ»[۱].

از پیامبرﷺ این جمله را حفظ نمودم: «آنچه تو را به شک اندازد، آن را رها کن و بگذار، و آنچه تو را به شک نمی‌اندازد بگیر».

حدیث ۱۲

از ابوهریرهﷺ روایت است که گفت پیامبر اکرمﷺ فرمودند: «مِنْ حُسْنِ إِسْلاَمِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لاَ يَعْنِيهِ»[۲].

«از خوبی‌های مسلمانی فرد است، ترک کردن آنچه را که نه مورد توجه اوست، نه به او ربط دارد و نه وابسته به کارش است».

۱- رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ، وَقَالَ التِّرْمِذِيُّ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

۲- حَدِيثٌ حَسَنٌ، رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَغَيْرُهُ هكَذَا.

حدیث ۱۳

از ابی حمزه انس بن مالکؓ خادم رسول اللهﷺ روایت است که رسول اللهﷺ فرمود: «لاَ يُؤْمِنُ أَحَدَكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لأَخِيْهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ»(۱).

«هیچ‌یک از شما ایمان نیاورده است، تا اینکه دوست بدارد برای برادرش، آنچه که برای خودش دوست می‌دارد».

حدیث ۱۴

از عبدالله بن مسعودؓ روایت است که رسول اکرمﷺ فرمودند: «لاَ يَحِلُّ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِلاَّ بِإِحْدَى ثَلاَثٍ: الثَّيْبُ الزَّانِي، وَالنَّفْسُ بِالنَّفْسِ، وَالتَّارِكُ لِدِيْنِهِ الْمُفَارِقُ لِلْجَمَاعَةِ»(۲).

«ریختن خون فرد مسلمان روا نمی‌شود مگر به سبب یک از این سه چیز: بیوه زنی که زنا کند، کسی که دیگر را بکشد، و کسی که دینش را ترک کرده و از جماعت مؤمنان جدا شود».

حدیث ۱۵

از ابی هریرهؓ روایت است که رسول اکرمﷺ فرمودند: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْراً أَوْ لِيَصْمُتْ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ فَلْيُكْرِمْ جَارَهُ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ»(۳).

«کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، باید سخن نیک بگوید، یا خاموش و

۱- رَوَاهُ البُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.

۲- رَوَاهُ البُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.

۳- رَوَاهُ البُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.

ساکت شود، و کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، باید همسایه خود را گرامی بدارد، و کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، مهمان نوازی کند».

حدیث ۱۶

از ابی‌هریره‌ﷺ روایت است که: «لاَ تَغْضَبْ، فَرَدَّدَ مِرَاراً، قَالَ: لاَ تَغْضَبْ».

«مردی به رسول اکرمﷺ گفت: مرا نصیحت کن. آن حضرتﷺ فرمود: خشم مگیر؛ و چند بار تکرار فرمود: خشم مگیر و غضب مکن».

حدیث ۱۷

از ابی یعلی شداد بن اوس‌ﷺ روایت است که رسول اکرمﷺ فرمودند: «إِنَّ اللّٰهَ كَتَبَ الإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ: فَإِذَا قَتَلْتُمْ فَأَحْسِنُوا الْقِتْلَةَ، وَإِذَا ذَبَحْتُمْ فَأَحْسِنُوا الذِّبْحَةَ، وَلْيُحِدْ أَحَدُكُمْ شَفْرَتَهُ، وَلْيُرِحْ ذَبِيحَتَهُ»[1]. (رَوَاهُ مُسْلِمٌ).

«همانا خدا نیکویی را درباره هر چیز واجب نموده است، پس هرگاه کشتید، کشتن را بر وجه نیکو انجام دهید، و هرگاه ذبح کردید، بر وجه نیکو ذبح کنید، چنان که یکی از شما کارد خود را تیز نماید، تا حیوانی را که برای کشتن آماده شده آسایش دهد».

حدیث ۱۸

از ابی ذر جندب بن جناده وابی عبدالرحمن معاذ بن جبل‌ﷺ روایت است که رسول اللهﷺ فرمودند: «اتَّقِ اللّٰهَ حَيْثُمَا كُنْتَ، وَأَتْبِعِ السَّيِّئَةَ الْحَسَنَةَ تَمْحُهَا، وَخَالِقِ

۱- رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ.

النَّاسَ بِخُلُقٍ حَسَنٍ»[۱].

«هر جا باشی از خدا بترس. بعد از بدی خوبی کن تا خوبی‌ها بدی‌ها را محو و نابود کند و با مردم خوش رفتار باش».

حدیث ۱۹

از ابی عباس عبدالله بن عباس‌رضی‌الله‌عنه روایت است که گفت: «كُنْتُ خَلْفَ النَّبِيِّ ﷺ يَوْماً فَقَالَ لِي يَا غُلاَمُ، إِنِّي أُعَلِّمُكَ كَلِمَاتٍ: احْفَظِ اللهَ يَحْفَظْكَ، احْفَظِ اللهَ تَجِدْهُ تُجَاهَكَ، إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللهَ، وَإِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللهِ، وَاعْلَمْ أَنَّ الأُمَّةَ لَو اجْتَمَعَتْ عَلَى أَنْ يَنْفَعُوكَ بِشَيْءٍ لَمْ يَنْفَعُوكَ إِلاَّ بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللهُ لَكَ، وَإِنْ اجْتَمَعُوا عَلَى أَنْ يَضُرُّوكَ بِشَيْءٍ لَمْ يَضُرُّوكَ إِلاَّ بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللهُ عَلَيْكَ، رُفِعَتِ الأَقْلاَمُ وَجَفَّتِ الصُّحُفُ»[۲].

و در روایتی غیر از روایت ترمذی آمده است: «احْفَظِ اللهَ تَجِدْهُ أَمَامَكَ، تَعَرَّفْ إِلَى اللهِ فِي الرَّخَاءِ يَعْرِفْكَ فِي الشِّدَّةِ، وَاعْلَمْ أَنَّ مَا أَخْطَأَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَكَ، وَمَا أَصَابَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَكَ، وَاعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ، وَأَنَّ الْفَرَجَ مَعَ الْكَرْبِ، وَأَنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً».

«روزی پشت سر پیامبرﷺ بودم. پیامبرﷺ فرمود: ای جوان، من چند کلمه را به تو می‌آموزم: خدا را نگه‌دار تا او تو را نگه دارد؛ به خدا روی‌آور تا او را در برابر خود بیابی؛ هرگاه خواهش و نیازی داری، از خدا بخواه؛ و هرگاه یاری و کمک خواستی، از خدا یاری بخواه؛ و این را یقین بدان که اگر همه امت جمع شوند تا به تو سودی رسانند نتوانند رسانید، مگر آنچه که خدا برای تو نوشته باشد؛ و اگر همه امت جمع شوند تا به تو زیانی برسانند نتوانند رسانید، مگر زیانی که خدا بر تو نوشته باشد؛

۱- رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ، وَفِي بَعْضِ النُّسَخِ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

۲- رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

قلم‌های سرنوشت برداشته شده و نامه‌ها خشک گشتند. و در روایت دیگر: به خدا روی آور تا او را در برابر خود بیابی؛ خودت را در ناز و خوشی به خدا بشناسان تا خدا تو را در سختی و مشقت یاری کند؛ و این را یقین بدان که آن چه برای تو نبود، به تو نرسید؛ و آنچه برای تو بود، ممکن نیست به تو نرسد؛ و این را نیز بدان که یاری خدا همراه با صبر و شکیبایی است [اگر صبر پیشه سازی، خدا تو را یاری رساند] و همراه هر سختی، گشایشی است، و با هر دشواری، آسانی».

حدیث ۲۰

از ابی مسعود عقبه بن عمرو انصاری بدریﷺ روایت است که رسول اکرمﷺ فرمودند: «إِنَّ مِمَّا أَدْرَكَ النَّاسُ مِنْ كَلاَمِ النُّبُوَّةِ الأُولَى: إِذَا لَمْ تَسْتَحِ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ»[۱].

«آنچه مردم از سخن پیامبران پیشین دریافتند: هرگاه شرم و حیا نداشتی، هرچه خواستی بکن».

حدیث ۲۱

از ابی عمرو گفته شده ابی‌عمره سفیان بن عبدالله ثقفیﷺ روایت است که گوید: «قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللهِ، قُلْ لِي فِي الإِسْلاَمِ قَولاً لاَ أَسْأَلُ عَنْهُ أَحَداً غَيْرَكَ، قَالَ: قُلْ آمَنْتُ بِاللهِ، ثُمَّ اسْتَقِمْ»[۲].

«عرض کردم: ای پیامبر خدا! از اسلام سخنی به من بگو که دیگر از کسی جز تو، درباره آن نپرسم. آن حضرتﷺ فرمود: بگو ایمان به خدا آوردم، سپس بر ایمان خود استوار و پایدار باش».

۱- رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ.

۲- رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

حدیث ۲۲

از ابی عبدالله جابر بن عبدالله انصاریﷺ روایت است که: «أَنَّ رَجُلاً سَأَلَ رَسُولَ اللهِﷺ فَقَالَ: أَرَأَيْتَ إِذَا صَلَّيْتُ الْمَكْتُوبَاتَ، وَصُمْتُ رَمَضَانَ، وَأَحْلَلْتُ الْحَلاَلَ، وَحَرَّمْتُ الْحَرَامَ، وَلَمْ أَزِدْ عَلَى ذَلِكَ شَيْئاً، أَأَدْخُلُ الْجَنَّةَ؟ قَالَ: نَعَمْ»[۱].

«مردی از رسول اکرمﷺ پرسید: ببین اگر نمازهای فرض را بخوانم و روزه [ماه مبارک] رمضان را بگیرم و حلال را حلال بدانم [و آن را انجام دهم]، حرام را حرام بدانم [و از آن دوری کنم] و بر اینها چیزی دیگر نیفزایم، آیا داخل بهشت می‌شوم؟ رسول اللهﷺ فرمود: بلی». این است معنی «حرمتُ الحرام». «از حرام دوری جستم». و معنی: «أحلَلتُ الحلال»، «[فقط] حلال را حلال شمردم».

حدیث ۲۳

از ابی مالک حارث بن عاصم اشعریﷺ روایت است که رسول اللهﷺ فرمودند: «الطُّهُورُ شَطْرُ الإِيْمَانِ، وَالْحَمْدُ للهِ تَمْلأُ الْمِيزَانَ، وَسُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ للهِ تَمْلآنِ - أَوْتَمْلأُ- مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ، وَالصَّلاَةُ نُورٌ، وَالصَّدَقَةُ بُرْهَانٌ، وَالصَّبْرُ ضِيَاءٌ، وَالْقُرْآنُ حُجَّةٌ لَكَ أَوْ عَلَيْكَ، كُلُّ النَّاسِ يَغْدُو فَبَائِعُ نَفْسَهُ فَمُعْتِقُهَا أَوْ مُوبِقُهَا»[۲].

«طهارت و پاکیزگی نیمی از ایمان است؛ و الحمدلله، ستایش خداست که ترازوی نیکی‌ها را پر می‌کند و سبحان الله و الحمدلله، میان آسمان و زمین را پر می‌کند؛ و نماز، نور و روشنایی است؛ و صدقه، دلیل ایمان داشتن است؛ و شکیبایی، فروغ و پرتو ایمان است؛ و قرآن، دلیلی است به سود تو یا مدرکی به زیان تو. همه مردم چـون بامداد شود از خانه بیرون رفته و به تلاش و کوشش می‌پردازند، پس خود را

۱- رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۲- رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

به خدا فروخته و آزاد می‌کنند، یا خود را به هوا و هوس و مخالفت با خدا فروخته و هلاک می‌کنند».

حدیث ۲۴

از ابوذر غفاری رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در حدیث قدسی از خداوند عزوجل روایت می‌کند که: «يَا عِبَادِي: إِنِّي حَرَّمْتُ الظُّلْمَ عَلَى نَفْسِي وَجَعَلْتُهُ بَيْنَكُمْ مُحَرَّماً فَلاَ تَظَالَمُوا. يَا عِبَادِي: كُلُّكُمْ ضَالٌّ إِلاَّ مَنْ هَدَيْتُهُ فَاسْتَهْدُونِي أَهْدِكُمْ. يَا عِبَادِي: كُلُّكُمْ جَائِعٌ إِلاَّ مَنْ أَطْعَمْتُهُ، فَاسْتَطْعَمُونِي أَطْعِمْكُمْ. يَا عِبَادِي: كُلُّكُمْ عَارٍ إِلاَّ مَنْ كَسَوْتُهُ فَاسْتَكْسُونِي أَكْسُكُمْ. يَا عِبَادِي: إِنَّكُمْ تُخْطِئُونَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَأَنَا أَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً، فَاسْتَغْفِرُونِي أَغْفِرْ لَكُمْ. يَا عِبَادِي: إِنَّكُمْ لَنْ تَبْلُغُوا ضُرِّي فَتَضُرُّونِي، وَلَنْ تَبْلُغُوا نَفْعِي فَتَنْفَعُونِي. يَا عِبَادِي: لَوْ أَنَّ أَوَّلَكُمْ وَآخِرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجِنَّكُمْ كَانُوا عَلَى أَتْقَى قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ مِنْكُمْ، مَا زَادَ ذَلِكَ فِي مُلْكِي شَيْئاً. يَا عِبَادِي: لَوْ أَنَّ أَوَّلَكُمْ وَآخِرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجِنَّكُمْ كَانُوا عَلَى أَفْجَرِ قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ مِنْكُمْ، مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِنْ مُلْكِي شَيْئاً. يَا عِبَادِي: لَوْ أَنَّ أَوَّلَكُمْ وَآخِرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجِنَّكُمْ قَامُوا فِي صَعِيْدٍ وَاحِدٍ، فَسَأَلُونِي، فَأَعْطَيْتُ كُلَّ وَاحِدٍ مَسْأَلَتَهُ، مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِمَّا عِنْدِي إِلاَّ كَمَا يَنْقُصُ الْمِخْيَطُ إِذَا أُدْخِلَ الْبَحْرَ. يَا عِبَادِي: إِنَّمَا هِيَ أَعْمَالُكُمْ أُحْصِيهَا لَكُمْ، ثُمَّ أُوَفِّيكُمْ إِيَّاهَا، فَمَنْ وَجَدَ خَيْراً فَلْيَحْمَدِ اللهَ، وَمَنْ وَجَدَ غَيْرَ ذَلِكَ فَلاَ يَلُومَنَّ إِلاَّ نَفْسَهُ»[1].

«ای بندگان من، ظلم و ستم را بر خود حرام نمودم و میان شما نیز آن را حرام کردم، پس به همدیگر ظلم و ستم نکنید. ای بندگان من، همه شما گمراه هستید مگر کسی که من او را هدایت نموده‌ام؛ پس از من راه راست بخواهید تا شما را به آن راهنمایی کنم. ای بندگان من، همه شما گرسنه‌اید مگر کسی که من او را غذا داده‌ام؛ پس از من غذا بخواهید تا شما را اطعام کنم. ای بندگان من، همه شما

۱- رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

برهنه‌اید مگر کسی که مـن او را پوشانده‌ام؛ پس از من لباس بخواهید تا شما را بپوشانم. ای بندگان من، در حقیقت همه شما شب و روز خطا می‌کنید و من گناهـــان را می‌آمرزم؛ پس از من آمرزش بخواهید تا شما را بیامرزم. ای بندگان من، شما هرگز نمی‌توانید به من زیان برسانید، و هرگز نمی‌توانید به من فایده و سودی برسانید. ای بندگان من، اگر از نخستین شما تا آخرین شما و انس و جن شما، همه بر پرهیزگارترین قلب باشید، مانند اینکه یک به یک شما پرهیزکار باشید، این تقوا و پرهیزکاری شما بر مُلک من نمی‌افزاید. ای بندگان من، اگر اول و آخرتان و انس و جن شما همه بر بدترین و ناپاک‌ترین قلب باشید، این بدی شما، از ملک من چیزی کم نخواهد کرد. ای بندگان من، اگر اولین فرد تا آخرین فردتان، از انس گرفته تا جن، همه در می‌دانی ایستاده و از من خواهش کنند و من به هر یک از شما آنچه خواهد بدهم، این خواهش و خواسته، از آنچه در نزد من است نمی‌کاهد؛ چنان که هرگاه سوزن به دریا فرو برده شود، کم نخواهد شد. ای بندگان من، این همان است که می‌بینید؛ درو شدۀ کردارتان است که برای شما به وفا و تمام می‌شمارم و به شما می‌رسانم. پس کسی که خوبی را یافت، باید خدا را ستایش کند، و کسی که غیر از آن یافت، نباید غیر خود دیگری را سرزنش نماید».

حدیث ۲۵

از ابوذر رضی الله عنه روایت است که: «يَا رَسُولَ اللهِ، ذَهَبَ أَهْلُ الدُّثُورِ بِالأُجُورِ، يُصَلُّونَ كَمَا نُصَلِّي، وَيَصُومُونَ كَمَا نَصُومُ، وَيَتَصَدَّقُونَ بِفُضُولِ أَمْوَالِهِمْ، قَالَ: أَوَلَيْسَ قَدْ جَعَلَ اللهُ لَكُمْ مَا تَصَدَّقُونَ؟ إِنَّ بِكُلِّ تَسْبِيحَةٍ صَدَقَةً، وَكُلِّ تَكْبِيرَةٍ صَدَقَةً، وَكُلِّ تَحْمِيدَةٍ صَدَقَةً، وَكُلِّ تَهْلِيلَةٍ صَدَقَةً، وَأَمْرٍ بِالْمَعْرُوفِ صَدَقَةً، وَنَهْيٍ عَنْ مُنْكَرٍ صَدَقَةً، وَفِي بُضْعِ أَحَدِكُمْ صَدَقَةً. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللهِ أَيَأْتِي أَحَدُنَا شَهْوَتَهُ وَيَكُونُ لَهُ فِيهَا أَجْرٌ؟ قَالَ:

أَرَأَيْتُمْ لَوْ وَضَعَهَا فِي حرَامٍ، أَكَانَ عَلَيْهِ وِزْرٌ؟ فَكَذَلِكَ إِذَا وَضَعَهَا فِي الْحَلاَلِ كَانَ لَهُ أَجْرٌ»[۱].

«گروهی از صحابه‌ﷺ به پیامبرﷺ گفتند: ای رسول خدا، صاحبان مال با پاداش‌ها رفتند و ثروتمندان همه ثواب‌ها را با خود بردند؛ نماز می‌خوانند چنان که ما نماز می‌خوانیم؛ روزه می‌گیرند چنان که ما روزه می‌گیریم و صدقه می‌دهند از بسیاری اموال‌شان. آن حضرتﷺ فرمود: آیا چنین نیست که خداوند [ثواب] آنچه را که صدقه نمایید برای شما قرار داده است؟ شما در برابر هر «سبحان الله» گفتن صدقه‌ای دارید، و در برابر هر «الله أكبر» گفتن صدقه‌ای، و با هر «الحمد لله» گفتن صدقه‌ای، با هر «لا إله إلاَّ الله» گفتن صدقه‌ای دارید، و در برابر هر امر به معروف و خوبی کردن صدقه‌ای، در مقابل هر بازداشتن از منکر و زشتی صدقه‌ای دارید، و در نزدیکی یکی از شما با همسرش صدقه‌ای. یاران گفتند: ای رسول خدا، آیا وقتی یکی از ما شهوتش را فرو می‌نشاند، برای او در این کار اجر و پاداشی است؟ آن حضرتﷺ فرمود: به من بگویید اگر شهوت خود را در حرام می‌گذاشت آیا بر آن گناهی نبود؟ پس همچنان است که اگر شهوتش را در حلال بگذارد برای او اجر و پاداش است».

حدیث ۲۶

از ابی‌هریره‌ﷺ روایت است که رسول اکرمﷺ فرمود: «كُلُّ سُلاَمَى مِنَ النَّاسِ عَلَيْهِ صَدَقَةٌ كُلَّ يَوْمٍ تَطْلُعُ فِيهِ الشَّمْسُ: تَعْدِلُ بَيْنَ اثْنَيْنِ صَدَقَةٌ، وَتُعِينُ الرَّجُلَ فِي دَابَّتِهِ فَتَحْمِلُهُ عَلَيْهَا أَوْ تَرْفَعُ لَهُ عَلَيْهَا مَتَاعَهُ صَدَقَةٌ، وَالْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ، وَبِكُلِّ خَطْوَةٍ تَمْشِيهَا إِلَى الصَّلاَةِ صَدَقَةٌ، وَتُمِيطُ الأَذَى عَن الطَّرِيقِ صَدَقَةٌ»[۲].

«بر هر پیوندی از بدن مردم صدقه‌ای است. هر روزی در آن آفتاب بیرون

۱- رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۲- رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.

می‌آید و بین دو تن اصلاح و تعادل به وجود می‌آوری، برای تو صدقه‌ای است؛ و وقتی به فردی کمک می‌کنی تا بر چارپایش سوار شود یا بارش را بر آن بگذارد، برای تو صدقه‌ای است؛ و سخن و گفتار خوب برای تو صدقه‌ای است؛ و هرگامی که به سوی نماز برمی‌داری، برای تو صدقه‌ای است؛ و در آنچه از سر راه مردم برمیداری و دور می‌کنی تا به آنها آزار نرسد، برای تو صدقه‌ای است».

حدیث ۲۷

از نواس بن سمعانﷺ روایت است که رسول اکرمﷺ فرمود: «الْبِرُّ حُسْنُ الخُلُقِ، وَالإِثْمُ مَا حَاكَ فِي نَفْسِكَ وَكَرِهْتَ أَنْ يَطَّلِعَ عَلَيْهِ النَّاسُ»[۱].

«نیکوکاری، خوش اخلاقی است و گناه، ناراحتی‌ای است که در دل پدید می‌آید و دوست نداری مردم از آن آگاه شوند».

و از وابصه بن معبدﷺ روایت است که گفت: «أَتَيْتُ رَسُولَ اللهِﷺ فَقَالَ: جِئْتَ تَسْأَلُ عَنِ الْبِرِّ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: اسْتَفْتِ قَلْبَكَ، الْبِرُّ مَا اطْمَأَنَّتْ إِلَيْهِ النَّفْسُ وَاطْمَأَنَّ إِلَيْهِ الْقَلْبُ، وَالإِثْمُ مَا حَاكَ فِي النَّفْسِ وَتَرَدَّدَ فِي الصَّدْرِ وَإِنْ أَفْتَاكَ النَّاسُ وَأَفْتَوْكَ»[۲].

«به خدمت حضرت رسول اللهﷺ آمدم، آن حضرتﷺ فرمود: آمده‌ای که از نیکوکاری بپرسی؟ گفتم: بلی، فرمود: از دلت بپرس. نیکوکاری چیزی است که روح به سوی آن آرام گیرد و دل بر آن آسوده شود، و گناه چیزی است که در دل خارشی پدید آورد و در سینه شک و تردید ایجاد کند. اگر همه مردم بر خلاف احساس درون قلب تو فتوا دهند، تو به آن فتوا اعتماد مکن».

۱- رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۲- حَدِيثٌ حَسَنٌ رَوَيْنَاهُ فِي مُسْنَدَي الإِمَامَيْنِ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ وَالدَّارِمِيِّ بِإِسْنَادٍ حَسَنٍ.

حدیث ۲۸

از ابی‌نجیح العرباض بن ساریهﷺ روایت است که گفت: «وَعَظَنَا رَسُولُ اللهِﷺ مَوْعِظَةً وَجِلَتْ مِنْهَا الْقُلُوبُ، وَذَرَفَتْ مِنْهَا الْعُيُونُ، فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللهِ كَأَنَّهَا مَوْعِظَةُ مُوَدِّعٍ، فَأَوْصِنَا، قَالَ: أُوصِيكُمْ بِتَقْوَى اللهِﷻ، وَالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ وَإِنْ تَأَمَّرَ عَلَيْكُمْ عَبْدٌ، فَإِنَّهُ مَنْ يَعِشْ مِنْكُمْ فَسَيَرَى اخْتِلاَفاً كَثِيرًا، فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ، عَضُّوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِذِ، وَإِيَّاكُمْ وَمُحْدَثَاتِ الأُمُورِ، فَإِنَّ كُلَّ مُحْدَثَةٍ بِدْعَةٌ، وَكُلَّ بِدْعَةٍ ضَلاَلَةٌ، وَكُلَّ ضَلاَلَةٍ فِي النَّارِ»[1].

«رسول اکرمﷺ ما را پند داد، پندی که دل‌ها از آن ترسید و چشم‌ها را اشک آورد. گفتیم: ای رسول خدا، چنین می‌نماید که این پند وداعی است، پس ما را سفارش ده، آن حضرتﷺ فرمود: شما را به ترس از خدایﷻ و فرمانبرداری از امیرم [یعنی فرماندار یا رئیسی که منصوب کرده‌ام] سفارش می‌کنم اگر چه برده‌ای بر شما امیر شود، زیرا کسی که از شما باقی بماند و عمری طولانی کند، اختلاف بسیاری خواهد دید. شما را به گرفتن [پیروی] راه من و راه خلفای راشدین –که هدایت شده‌اند– تشویق می‌کنم؛ این سفارش را با بن دندان عقل خود بگیرید؛ و شما را از راه‌های نو و جدید که برابر با راه من و خلفا نیست برحذر می‌دارم، زیرا هر نو و جدیدی [در دین] بدعت است، و هر بدعت، گمراهی است، و هر گمراهی، در آتش جهنم».

حدیث ۲۹

از معاذ بن جبلﷺ روایت است که: گفتم ای رسول خدا، «أَخْبِرْنِي بِعَمَلٍ يُدْخِلُنِي الْجَنَّةَ، وَيُبَاعِدُنِي عَنِ النَّارِ، قَالَ: لَقَدْ سَأَلْتَ عَنْ عَظِيمٍ، وَإِنَّهُ لَيَسِيرٌ عَلَى مَنْ يَسَّرَهُ اللهُ

۱- رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

تَعَالَى عَلَيْهِ: تَعْبُدُ اللهَ لاَ تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا، وَتُقِيمُ الصَّلاَةَ، وَتُؤْتِي الزَّكَاةَ، وَتَصُومُ رَمَضَانَ، وَتَحُجُّ الْبَيْتَ. ثُمَّ قَالَ: أَلاَ أَدُلُّكَ عَلَى أَبْوَابِ الْخَيرِ: الصَّوْمُ جُنَّةٌ، وَالصَّدَقَةُ تُطْفِىءُ الْخَطِيئَةَ كَمَا يُطْفِىءُ الْمَاءَ النَّارَ، وَصَلاَةُ الرَّجُلِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ، ثُمَّ تَلاَ: ﴿تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمۡ عَنِ ٱلۡمَضَاجِعِ﴾ [السجدة: ۱۶]. حَتَّى بَلَغَ ﴿يَعۡمَلُونَ﴾. ثُمَّ قَالَ: أَلاَ أُخْبِرُكَ بِرَأْسِ الأَمْرِ وَعَمُودُهُ وَذِرْوَةِ سَنَامِهِ؟ قُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولُ اللهِ. قَالَ: رَأْسُ الأَمْرِ الإِسْلاَمُ، وَعَمُودُهُ الصَّلاَةُ، وَذِرْوَةُ سَنَامِه الْجِهَادُ. ثُمَّ قَالَ: أَلاَ أُخْبِرُكَ بِمَلاَكِ ذلِكَ كُلِّهِ؟. قُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللهِ، فَأَخَذَ بِلِسَانِهِ وَقَالَ: كُفَّ عَلَيْكَ هذَا. قُلْتُ: يَا نَبِيَّ اللهِ، وَإِنَّا لَمُؤَاخَذُونَ بِمَا نَتَكَلَّمُ بِهِ؟ فَقَالَ: ثَقِلَتْكَ أُمُّكَ يَا مُعَاذُ، وَهَلْ يَكُبُّ النَّاسَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ -أَوْ قَالَ: عَلَى مَنَاخِرِهِمْ- إِلاَّ حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ؟»[1].

«از کارهایی آگاهم کن که مرا به بهشت داخل کند و از دوزخ دور گرداند. آن حضرتﷺ فرمود: در حقیقت از چیز بسیار بزرگی پرسیدی و آسان است بر کسی که خدای تعالی برای او آن کار را آسان سازد، و آن هم عبارت است از این که: بندگی کنی خدای یکتا را و هیچ چیز برای او شریک قرار ندهی، و نماز را بر پا داری، و زکات بدهی، روزه [ماه مبارک] رمضان را بگیری، و حج خانه خدا بروی، سپس فرمود: آیا تو را از همه درهای خیر آگاه نسازم؟ روزه سپری است که از روزه دار محافظت می‌کند، و صدقه، آتش گناه و خطاها را خاموش می‌سازد، چنانکه آب آتش را خاموش می‌کند، و نماز شخص در دل شب‌ها. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «پهلوهایشان از بسترهایشان دور می‌شود»، تا اینکه به ﴿يَعۡمَلُونَ﴾ رسید. پس از آن فرمود: آیا تو را از سرآمد کارها و بالاترین کوهان آن با خبر نکنم؟ گفتم: بلی ای رسول خدا، مرا با خبر کن. فرمود: سرآمدِ کارها اسلام است، و ستون اسلام نماز، و بالاترین کوهانِ آن جهاد در راه خداست. سپس فرمود: آیا تو را از سر رشتۀ همه اینها خبر دهم؟ گفتم: بلی ای رسول خدا، مرا خبر ده. آن حضرت زبان خود را

۱- رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

گرفت و فرمود: این را نگه‌دار. گفتم: ای پیامبر خدا، آیا ما به آنچه می گوییم، مورد بازخواست قرار خواهیم گرفت؟ آن حضرتﷺ فرمود: مادرت به عزایت بنشیند، [خداوند] مردم را بر روهایشان- یا اینکه فرمود بر بینی‌هایشان- در آتش می‌اندازد، مگر [فقط به خاطرِ] سخنان یاوه، بیهوده و درو شدهٔ زبان‌هایشان».

حدیث ۳۰

از ابی‌ثعلبه الخشی جرثوم بن ناشبؓ روایت است که رسول اکرمﷺ فرمود: «إِنَّ اللهَ تَعَالَى فَرَضَ فَرَائِضَ فَلاَ تُضَيِّعُوهَا، وَحَدَّ حُدُوداً فَلاَ تَعْتَدُوهَا، وَحَرَّمَ أَشْيَاءَ فَلاَ تَنْتَهِكُوهَا، وَسَكَتَ عَنْ أَشْيَاءَ رَحْمَةً لَكُمْ غَيْرَ نِسْيَانٍ فَلاَ تَبْحَثُوا عَنْهَا»[1].

«خداوند متعال فریضه‌هایی را واجب نموده است، پس آنها را ضایـع نکنید و از کارهایی منع فرمـوده و برای آنها حدودی [مرزها و محرماتی] معین کرده است، پس از آنها پا فراتر مگذارید، و چیزهایی را حرام نموده است، پس به حرمت و حرام بودن آن احترام بگذارید، و درباره چیزهای دیگری سکوت کرده به خاطر مهربانی به شما نه از روی فراموشی، پس آنها را جستجو مکنید».

حدیث ۳۱

از ابی‌عباس سهل بن سعد ساعدیؓ روایت است که: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولُ اللهِ دُلَّنِي عَلَى عَمَلٍ إِذَا عَمِلْتُهُ أَحَبَّنِي اللهُ، وَأَحَبَّنِي النَّاسُ. فَقَالَ: ازْهَدْ فِي الدُّنْيَا يُحِبَّكَ اللهُ، وَازْهَدْ فِيمَا عِنْدَ النَّاسِ يُحِبَّكَ النَّاسُ»[2].

«مردی نزد پیامبر اکرمﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا، مرا به کاری راهنمایی کن

۱- حَدِيثٌ حَسَنٌ رَوَاهُ الدَّارَقُطْنِي وَغَيْرُهُ.

۲- رَوَاهُ ابْنُ مَاجه وَغَيْرُهُ بِأَسَانِيدَ حَسَنَةٍ.

که هرگاه آن را انجام دهم خداوند مرا دوست بدارد، و مردم نیز مرا دوست بدارند. آن حضرتﷺ فرمود: دل به دنیا مبند و از آن روی بگردان تا خدا تو را دوست بدارد، و به آنچه نزد مردم است بی‌میل باش و از آن روی بگردان تا مردم تو را دوست بدارند».

حدیث ۳۲

از ابی‌سعید سعد بن مالک بن سنان خدری رضی الله عنه روایت است که رسول اکرمﷺ فرمودند: «لاَ ضَرَرَ وَلاَ ضِرَارَ»(۱).

«نه به خود زیان برسان و نه به دیگران». [یعنی دین مبین اسلام بر پایه مصلحت و منفعت بنا شده است و ضرر زدن به دیگران را منع کرده است].

حدیث ۳۳

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول اکرمﷺ فرمود: «لَوْ يُعْطَى النَّاسُ بِدَعْوَاهُمْ، لادَّعَى رِجَالٌ أَمْوَالَ قَوْمٍ وَدِمَاءَهُمْ، لكِنِ الْبَيِّنَةُ عَلَى الْمُدَّعِي، وَالْيَمِينُ عَلَى مَنْ أَنْكَرَ»(۲).

«اگر مردم به مجرد ادعایشان [و همین که ادعای چیزی می‌کردند] به آنها داده می‌شد، هر آیینه برخی ادعای اموال و خون برخی دیگر می‌کردند، ولی مدعی باید دلیل و مدرک بیاورد، و انکار کننده باید سوگند بخورد».

۱- حَدِيثٌ حَسَنٌ، رَوَاهُ ابْنُ مَاجه وَالدَّارَقُطْنِيُّ وَغَيْرُهُمَا مُسْنَداً، وَرَوَاهُ مَالَكٌ فِي الْمُوَطَّأ مُرْسَلاً عَنْ عَمْرِو بْنِ يَحْيَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّبِيِّﷺ، فَأَسْقَطَ أَبَا سَعِيدٍ، وَلَهُ طُرُقٌ يُقَوِّي بَعْضُهَا بَعْضًا.

۲- حَدِيثٌ حَسَنٌ، رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ وَغَيْرُهُ هكَذَا وَبَعْضُهُ فِي الصَّحِيحَيْنِ.

حدیث ۳۴

از ابی‌سعید خدری‌ﷺ روایت است که گفت: از رسول اکرمﷺ شنیدم که فرمودند: «مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ، وَذلِكَ أَضْعَفُ الإِيْمَان»[۱].

«کسی که از شما کار زشتی را دید باید آن را با دست خود تغییر دهد؛ اگر نتوانست با دست تغییر دهد، با زبان و گفتار خود تغییر دهد؛ اگر نتوانست با زبان تغییر دهد، با دل خود آن را انکار کند و این مرحله [یعنی انکار به وسیله دل] ضعیف‌ترین [وکمترین نمودِ] ایمان است».

حدیث ۳۵

از ابی‌هریره‌ﷺ روایت است که رسول اکرمﷺ فرمودند: «لاَ تَحَاسَدُوا، وَلاَ تَنَاجَشُوا، وَلاَ تَبَاغَضُوا، وَلاَ تَدَابَرُوا، وَلاَ يَبِعْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَيْعِ بَعْضٍ، وَكُونُوا عِبَادَ اللهِ إِخْوَاناً، الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ: لاَ يَظْلِمُهُ، وَلاَ يَخْذُلُهُ، وَلاَ يَكْذِبُهُ، وَلاَ يَحْقِرُهُ، التَّقْوَى ههُنَا -وَيُشِيرُ إِلَى صَدْرِهِ ثَلاَثَ مَرَّاتٍ- بِحَسْبِ امْرِئٍ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ، كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ: دَمُهُ، وَمَالُهُ، وَعِرْضُهُ»[۲].

«شما مسلمانان به یکدیگر حسد نورزید؛ به زیان یکدیگر سازش نکنید؛ و به یکدیگر بغض و کینه نورزید؛ و به همدیگر پشت نکنید؛ و هیچ یک از شما بر فروش دیگری نفروشد؛ بندگان خدا و برادران همدیگر باشید. مسلمان برادر مسلمان است؛ به برادر خود ستم نمی‌کند؛ دست از یاری و کمک او نمی‌کشد؛ او را تکذیب نمی‌کند؛ او را خوار و ذلیل نمی‌شمارد؛ این تقوا و پرهیزکاری است، و سه بار به

۱- رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۲- رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

سینه‌اش اشاره فرمود. برای انسان همین کافی است که برادر مسلمان خویش را حقیر و کوچک شمارد. خون و مال و شرف و ناموس هر مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است».

حدیث ۳۶

از ابی‌هریره‌ﷺ روایت است که پیامبر اکرمﷺ فرمود: «مَنْ نَفَّسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرَبِ الدُّنْيَا، نَفَّسَ اللهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرَبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ يَسَّرَ عَلَى مُعْسِرٍ، يَسَّرَ اللهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ، وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللهُ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ، وَاللهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ، وَمَنْ سَلَكَ طَرِيقاً يَلْتَمِسُ فِيْهِ عِلْماً، سَهَّلَ اللهُ لَهُ بِهِ طَرِيقاً إِلَى الْجَنَّةِ، وَمَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللهِ، يَتْلُونَ كِتَابَ اللهِ وَيَتَدَارَسُونَهُ بَيْنَهُمْ، إِلاَّ نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ، وَغَشِيَتْهُمُ الرَّحْمَةُ، وَحَفَّتْهُمُ الْمَلاَئِكَةُ، وَذَكَرَهُمُ اللهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ، وَمَنْ بَطَّأَ بِهِ عَمَلُهُ لَمْ يُسْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ»[1].

«کسی که از برادر مؤمن خود یک سختی و دشواری را در دنیا بر طرف کند، خداوند یک دشواری و سختی روز قیامت او را رفع می‌کند. کسی که بر فقیر و بینوایی آسان بگیرد، خداوند در دنیا و آخرت بر او آسان خواهد گرفت. کسی که بدی و زشتی مسلمانی را پنهان کند، خداوند در دنیا و آخرت، بدی و زشتی او را می‌پوشاند [این زشتی و بدی برای کسانی است که دارای کارها و مناصب بزرگ هستند، از قبیل امیران که به فساد مشهور نیستند و ممکن است اتفاقی آن را انجام داده باشند؛ البته در صورت انجام آن کار. ولی اگر در حال انجام زشتی دیده شود، باید منع شود و اگر توانایی بازداشتن از آن کار زشت وجود نداشت، به فرمانروا و حاکم شهر شکایت نمود] و کسی که قدمی در آموختن علم بردارد، خدا راه بهشت را بر او آسان گرداند، و هرگاه گروهی از مردم در خانه‌ای از خانه‌های خدا

۱- رَوَاهُ مُسْلِمٌ بِهذَا اللَّفْظِ.

[مساجد] گرد آیند تا قـرآن بخوانند و درس‌های قرآن را به هم بیاموزند، دل‌ها بر ایشان فرود آید، و مهر و محبت و رحمت خداوندی بر آنان فراگیرد، و فرشتگان آنان را در برگیرند، و خداوند آنان را به کسانی که نزد او هستند یاد کند، و کسی که عمل و کردارش بر او پیشی گرفت و او را به دنبال انداخت، به یقین نسب و قبیله‌اش او را به جلو نمی‌برد».

حدیث ۳۷

از عبدالله بن عباس رضي الله عنه از رسول اکرم ﷺ در حدیث قدسی از خداوند تبارک و تعالی روایت است که خداوند فرمود: «إِنَّ اللهَ كَتَبَ الْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ، ثُمَّ بَيَّنَ ذٰلِكَ: فَمَنْ هَمَّ بِحَسَنَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً، وَإِنْ هَمَّ بِهَا فَعَمِلَهَا كَتَبَهَا اللهُ عِنْدَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ إِلَى سَبْعُمِائَةِ ضِعْفٍ إِلَى أَضْعَافٍ كَثِيرَةٍ، وَإِنْ هَمَّ بِسَيِّئَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً، وَإِنْ هَمَّ بِهَا فَعَمِلَهَا كَتَبَهَا اللهُ سَيِّئَةً وَاحِدَةً»[1].

«همانا خدا خوبی‌ها و بدی‌ها را نوشته است. پس هرکس قصد خوبی نمود و آن را انجام نداد، خداوند برای او نزد خود یک نیکی کامل می‌نویسد، و اگر قصد خوبی کرد و آن را به انجام رساند، خداوند نزد خود ده خوبی تا هفتصد برابر تا چند برابر بسیار برای او می‌نویسد، و اگر قصد بدی نمود و آن را انجام نداد، خداوند نزد خود برای او یک نیکی کامل می‌نویسد، و اگر قصد بدی نمود و آن را انجام داد، خداوند یک بدی برای او می‌نویسد». پس ای برادر بنگر- خدا ما و شما را به‌سوی لطف عظیم توفیق دهد- و در مورد این جملات خوب اندیشه کن. عبارت «نزد خود می‌نویسد» اشاره است به اهمیت آن و لفظ «نیکی کامل» برای تأکید آن عبارت و اهمیت بسیار آن است. و درباره «قصد بدی کردن ولی آن را انجام ندادن» فرمود:

۱- رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ فِي صَحِيحَيْهِمَا بِهٰذِهِ الْحُرُوفِ.

خداوند یک نیکی کامل برای او می‌نویسد و بر کلمه کامل تأکید نمود و اگر بدی انجام داد، یک بدی برای او می‌نویسد، و بر یک بدی تأکید ننمود؛ بنابراین خدا را حمد و منت است- سبحانه و تعالی- که ستایش او را نتوانیم کرد؛ توانایی و توفیق در طاعت‌ها برای اوست.

حدیث ۳۸

ابوهریره رضی الله عنه از رسول اکرم ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: «إِنَّ اللهَ تَعَالَى قَالَ: مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ، وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُهُ عَلَيْهِ، وَلاَ يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى أُحِبَّهُ، فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ، وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا، وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا، وَلَئِنْ سَأَلَنِي لأُعْطِيَنَّهُ، وَلَئِنْ اسْتَعَاذَنِي لأُعِيذَنَّهُ»[1].

«خداوند در حدیث قدسی می‌فرماید: کسیکه با دوست من دشمنی کند، با او اعلام جنگ می‌کنم، و بنده مؤمن با هیچ چیز محبوبی نزد من بهتر از فرایض با من نزدیک نمی‌شود، و او با انجام نوافل [عبادت‌های غیر واجب] به من نزدیک می‌شود تا این که من او را دوست بدارم، هنگامی که من او را دوست دارم، من گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود، و چشم او می‌شوم که با آن می‌بیند، و دستش می‌شوم که با آن می‌گیرد، و پایش می‌شوم که با آن راه می‌رود؛ اگر چیزی از من بخواهد به او می‌دهم، و اگر پناه بخواهد پناهش می‌دهم».

۱- رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ.

حدیث ۳۹

از عبدالله بن عباسس روایت است که رسول اکرمﷺ فرمودند: «إِنَّ اللهَ تَجَاوَزَ لِي عَنْ أُمَّتِي الْخَطَأَ وَالنِّسْيَانَ، وَمَا اسْتُكْرِهُوا عَلَيْهِ»[۱].

«خداوند به خاطر من از خطا و فراموشی امتم و آنچه بر آنها زور و اجبار شود، گذشت کرده است».

حدیث ۴۰

عبدالله بن عمرس روایت می‌کند که: «أَخَذَ رَسُولُ اللهِﷺ بِمَنْكِبِي فَقَالَ: كُنْ فِي الدُّنْيَا كَأَنَّكَ غَرِيبٌ أَوْ عَابِرُ سَبِيلٍ.

وَكَانَ ابْنُ عُمَرَس يَقُولُ: إِذَا أَمْسَيْتَ فَلاَ تَنْتَظِرِ الصَّبَاحَ، وَإِذَا أَصْبَحْتَ فَلاَ تَنْتَظِرِ الْمَسَاءَ، وَخُذْ مِنْ صِحَّتِكَ لِمَرَضِكَ وَمِنْ حَيَاتِكَ لِمَوْتِكَ»[۲].

«رسول اکرمﷺ دوش مرا گرفت و فرمود: در دنیا چنان باش که گویی غریب یا رهگذری هستی. عبدالله بن عمرس همیشه می‌گفت: وقتی شب شد، به انتظار صبح مباش، و وقتی بامداد بر تو آمد، به انتظار شب منشین؛ در موقع تندرستی و سلامتی، برای روزهای بیماریَت توشه برگیر، و در زندگی برای مرگ و مردنَت توشه فراهم کن».

حدیث ۴۱

از ابی محمد عبدالله بن عمرو بن عاصس روایت است که رسول اکرمﷺ فرمودند: «لاَ يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يَكُونَ هَوَاهُ تَبْعاً لِمَا جِئْتُ بِهِ»[۳].

۱- حَدِيثٌ حَسَنٌ رَوَاهُ ابْنُ مَاجه وَالْبَيْهَقِيُّ وَغَيْرُهُمَا.

۲- رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ.

۳- حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ رَوَيْنَاهُ فِي كِتَابِ الْحُجَّةِ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ.

«هیچ‌یک از شما ایمان نمی‌آورد تا این که هوای او پیرو آنچه باشد که من آورده‌ام ».

حدیث ۴۲

انس گوید: شنیدم رسول اکرم از قول باری تعالی می‌فرماید:

«قَالَ اللهُ تَعَالَى: يَا ابْنَ آدَمَ، إِنَّكَ مَا دَعَوْتَنِي وَرَجَوْتَنِي، غَفَرْتُ لَكَ عَلَى مَا كَانَ مِنْكَ وَلاَ أُبَالِي، يَا ابْنَ آدَمَ، لَوْ بَلَغَتْ ذُنُوبُكَ عَنَانَ السَّمَاءِ ثُمَّ اسْتَغْفَرْتَنِي، غَفَرْتُ لَكَ، يَا ابْنَ آدَمَ، إِنَّكَ لَوْ أَتَيْتَنِي بِقُرَابِ الأَرْضِ خَطَايَا، ثُمَّ لَقِيْتَنِي لاَ تُشْرِكُ بِي شَيْئاً، لأَتَيْتُكَ بِقُرَابِهَا مَغْفِرَةً»[1].

«ای بنی آدم، هرگاه مرا می‌خوانی و به من امید داری، تو را بر آنچه بوده [یعنی به خاطر اعمالت] می‌آمرزم و از تو پروایی ندارم. ای فرزند آدم، اگر گناهان تو به ابرهای آسمان برسد و آنگاه از من طلب آمرزش کنی، تو را می‌آمرزم و گناهان تو را خواهم بخشید. ای انسان، اگر به‌سوی من آیی در حالی که زمینی پر از گناه و خطا داری ولی به من شرک نیاوردی، من با زمینی پر از مغفرت و بخشایش به‌سوی تو می‌آیم».

۱- رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.